

◇ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال دوازدهم، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۹۹

صفحات: ۹۷-۱۰۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰

نقش زنان دانشگاهی در توسعه‌ی پایدار و همه‌جانبه

شیدای قیطاسی*

نعمت‌الله عزیزی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش زنان دانشگاهی در توسعه‌ی پایدار و همه‌جانبه است. جامعه‌ی پژوهش مقالات مرتبط با موضوع نقش زنان دانشگاهی در توسعه می‌باشد. نمونه‌ی پژوهش، مقالات نمایه شده در پایگاه‌های داده‌های داخلی در فاصله زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۹ بود که از میان ۳۱۷ پژوهش انجام گرفته در این حوزه، مقالات غیرمرتبط حذف گردید و سرانجام ۱۴ مقاله بر اساس موضوع و هدف دسته‌بندی گردید. طرح پژوهش از نوع تحلیل - توصیفی است. برای گردآوری اطلاعات از روش استنادی و کتابخانه‌ای استفاده شد. بر اساس اطلاعات گردآوری شده، نقش زنان دانشگاهی در توسعه پایدار و همه‌جانبه‌ی کشور بررسی و تحلیل شد. نتایج حاصل از مطالعه نشان داد که زنان دانشگاهی در توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و سیاسی کشور نقش مهمی را ایفا می‌کنند. بیشترین و کمترین نقش زنان دانشگاهی به ترتیب در توسعه‌ی اقتصادی و توسعه‌ی سیاسی عنوان شده است. از نتایج این پژوهش در تدوین برنامه‌های آتی توسعه کشور می‌توان استفاده نمود.

کلید واژگان: زنان دانشگاهی، توسعه پایدار، همه‌جانبه

* دانشجوی دکتری گروه آموزش عالی، گرایش توسعه برنامه‌ریزی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (انویسنده مسئول، ایمیل: sheida. gheitasi@gmail.com)

** استاد گروه علوم تربیتی گروه آموزش عالی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (ایمیل: n.azizi@uok.ac.ir)

«تمام حقوق انتشار این اثر متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز می‌باشد»

مقدمه

توسعه^۱ از نظر لغوی به معنای تمایل به بهبود بخشیدن وضع زندگی خود و دیگران و توانایی انجام این امر می‌باشد. توسعه، مفهومی چندبعدی است که از منظرهای مختلف قابل بررسی است. متخصصان علوم اجتماعی توسعه را تحول در جهت نوسازی نهادهای اجتماعی و سیاسی می‌دانند (عنبری، ۱۳۹۰). اقتصاددانان به توسعه از دید سرمایه‌گذاری و درآمدزایی نگاه می‌کنند. توسعه مستلزم تحولات اساسی در ساختار اجتماعی، نگرش مردم و نهادهای ملی، رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و گسترش مردم‌سالاری و نهادهای تعلیم و تربیت و بهداشت و رفاه عمومی است. بنا به دیدگاه بیشتر صاحب‌نظران توسعه باید بیانگر هماهنگی مجموعه نظام اجتماعی با نیازهای بنیادین و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی، به منظور ارتقای وضعیت زندگی مادی و معنوی است (تودارو^۲، ۲۰۰۳، ترجمه فرجادی، ۱۳۹۱). بلوم و کانینگ^۳ (۲۰۱۱) اهداف توسعه را کاهش فقر، گسترش آموزش همگانی، افزایش برابری جنسیتی و خودگردانی زنان، بهبود بهداشت مادران و کاهش مرگ و میر کودکان، مبارزه با بیماری‌های فراگیر، ایجاد محیط زیست پایدار و ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه عنوان کرده است و از نظر آنان آموزش عالی یکی از مهم‌ترین ابزار دستیابی به چنین اهدافی به شمار می‌آید. از جمله منابع ضروری برای توسعه‌ی همه‌جانبه در هر کشوری، آموزش عالی و دانشگاه‌ها است. زیرا که نقش کلیدی در تولید دانش، تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد، ارتقای فناوری‌های نوین، پیوند علم و صنعت و به روز بودن با شرایط حاکم بر جهان در حال تغییر مدام دارد. از جمله عوامل کلیدی توسعه‌ی هر کشوری منابع نیروی انسانی، به عنوان اصلی‌ترین سرمایه‌ی هر سازمان و کشوری است (قلی‌پور، ۱۳۹۶). از طرف دیگر سرمایه‌ی اجتماعی که منبعی غنی برای توسعه‌ی همه‌جانبه است در روابط میان افراد یافت می‌شود و اساس آن دربرگیرنده‌ی شبکه‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی، مدنی و سیاسی و اعتماد به افراد و مؤسسات اجتماعی است (هالپر و کلی^۴، ۲۰۰۳، به نقل از عزیزی ۱۳۹۶). نقش آموزش عالی در تحولات فرهنگی، اجتماعی که یکی از مبانی توسعه‌ی پایدار به شمار می‌آید، انکارنشده است (کوچران و ویلیامز^۵، ۲۰۱۰)، اما این نقش در قرن اخیر به دلیل تحولات سریع و عمیق فناوری‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار شده است (جاودانی، ۱۳۸۹)، تا جایی که به نظر برخی از متخصصان، دلیل عدم موفقیت برخی از کشورها به توسعه‌ی اقتصادی، نرخ پایین دستیابی آنها به آموزش عالی می‌باشد (کلوته و موجا^۶، ۲۰۰۵). انتظارات جدید از آموزش عالی ایجاب می‌کند که دانشگاه‌ها در توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی هر کشوری نقش بنیادین داشته باشند. تحقق این خواسته از طریق تحول دانشگاه از حالت سنتی خود که صرفاً عهده‌دار امر آموزش و پژوهش بود به دانشگاه‌های

1. development
2. Todaro
3. Bloom & Canning
4. Hallper & Kelly
5. Cochrane & Williams
6. Cloete & Moja

کار آفرین امکان‌پذیر است (مکی آل آقا، ۱۳۸۶). دانشگاه پدیده‌ای تحولی- تکاملی است که اساس وجود آن به یک نیاز جهان‌شمول که همانا آموزش و تربیت است باز می‌گردد). امروزه نقش و کارکرد دانشگاه صرفاً به تربیت متخصصان بسنده نمی‌شود بلکه از آن جا که دانشگاه از حالت غیرسیاسی خارج شده است و از دیگر سو تقاضاهای فزاینده‌ی جامعه از دانشگاه که حاصل تحولات دموکراسی خواهانه‌ی زمان است، دانشگاه را به سمت تربیت متخصصان منتقد و به‌روز سوق داده است (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۹۸). آموزش و اشتغال زنان در سطح جهان همیشه محل مناقشه بوده است و در عین حال با تبعیض و نابرابری همراه بوده است. سهم زنان در اشتغال و میزان مشارکت آن‌ها در نقش‌های مدیریتی بسیاری از کشورهای در حال توسعه به مراتب کمتر از سهم مردان است (زاکرسالچی، ۱۳۹۷). صاحب‌نظران مشارکت را به معنای بها دادن به نقش و نظر مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دسترسی آنان به منابع قدرت تعریف کرده‌اند (بیرو، ۱۳۸۰). برای مشارکت سه سطح فعالیتی، زمینه‌ای و بینشی عنوان کرده‌اند که عمیق‌ترین و تأثیرگذارترین سطح، بینشی است. چرا که در آن سطح مشارکت‌کننده در تعیین سیاست‌ها و اهداف دخالت مؤثر دارد (توسلی، ۱۳۸۲). بنا به نظر متخصصان، منابع انسانی در هزاره‌ی جدید با چالش‌های متعددی هم‌چون تنوع، سن و نسل مواجه است. همسو با سایر نقاط دنیا، در ایران نیز ورود زنان بیش از مردان به دانشگاه‌ها، این چالش به صورت جدی مطرح است. امروزه زنان توانمند در توسعه‌ی کشورها عهده‌دار نقش‌های کلیدی هستند که همسو با مردان در عرصه‌های مختلف مسئولیت‌های نوین اقتصادی، علمی و اجتماعی را انجام می‌دهند (دافلوی، ۲۰۱۲). مطابق یافته‌های پژوهشی، روند و افزایش حضور دختران و زنان در دانشگاه‌ها، پدیده‌ای جهانی است (لوکنیل ادس، ۲۰۰۲)، به طوری که یکی از موضوع‌های مهم کنفرانس جهانی آموزش عالی که توسط یونسکو برگزار می‌شود، تناسب و نقش زنان در آموزش عالی است (فراستخواه، ۱۳۹۷). آموزش عالی یکی از سرمایه‌گذاری‌های ارزشمندی است که یک کشور می‌تواند برای آینده‌ی مردم خود انجام دهد، زیرا زنان تقریباً نیمی از جمعیت هر کشور را تشکیل می‌دهند (ماهروزاده، ۲۰۱۹). علی‌رغم نقش زنان در توسعه، افزایش حضور زنان دانشگاهی در سطوح مختلف یک سازمان می‌تواند منجر به پیامدهای مثبت و منفی گردد که نیاز به الگوهای رفتاری ویژه و سیاست‌های جدید نیروی انسانی را ضروری می‌سازد (سیدجوادی، ۱۳۹۴). در ایران تا میانه‌های دهه‌ی ۳۰ تقریباً زنان هیچ مشارکتی در آموزش عالی ایران نداشتند در اوایل دهه‌ی ۵۰ به‌خاطر سیاست‌های دولت نوین وقت، پذیرش زنان در آموزش عالی صورت گرفت. با وقوع انقلاب فرهنگی و جنگ تحمیلی سهم زنان در آموزش عالی با اندکی افت مواجه شد (زاکرسالچی، ۱۳۹۷). برنامه‌ی توسعه‌ی هر کشوری چارچوب اساسی و جهت‌گیری‌های کلان اهداف و سیاست‌های هر بخش را تعیین می‌کنند و امور اجرایی نیز به تبع در مسیر آن اهداف پیش می‌روند (عباس‌زاده، ۱۳۹۴). بررسی برنامه‌های توسعه

1. Dufflo
2. Luckenbill-Edds
3. Mahrouzadeh

بیانگر این است که برنامه‌های اول و دوم (۱۳۷۸-۱۳۶۸) فارغ از هر نوع برنامه‌ریزی جنسیتی بوده‌اند اما سرآغاز توجه جدی به نقش زنان در توسعه به برنامه‌ی سوم توسعه (۱۳۸۲-۱۳۷۸) برمی‌گردد، که در ماده‌ی ۱۳۵۸ این برنامه عنوان شده است. مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری مؤلف است در راستای زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه‌ی کشور و تقویت نهاد خانواده ضمن انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاه‌های اجرایی زیربسط اقدامات لازم را انجام دهد. از برنامه‌های چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تا ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶) توجه بیشتری به مقوله‌ی زنان و توسعه شده است. با توجه به مطالعات صورت گرفته آموزش عالی فرصتی برای آماده‌سازی زنان جهت ایجاد تحول و توسعه در ابعاد اقتصادی (مورلی^۱، ۲۰۰۵)، علمی (کهلستد^۲، ۲۰۰۴)، سیاسی (شجاعی، سمسو و آسایش^۳، ۲۰۱۰) فراهم آورده است و جوامع مختلف نیز باید از این فرصت به وجود آمده هرچه بهتر و بیشتر بهره بگیرند. از این رو، هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش زنان دانشگاهی در توسعه پایدار و همه‌جانبه می‌باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: طرح پژوهش از نوع تحلیل - توصیفی است. جامعه پژوهش مقالا نمایه شده در پایگاه‌های داده‌های داخلی جهاد دانشگاهی^۴، ایرانداک^۵ و مگ ایران^۶ می‌باشد. نمونه‌ی مورد بررسی مقالات منتشر شده درباره نقش زنان دانشگاهی در توسعه در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۹ را شامل می‌شود.

روش اجرا

برای رسیدن به هدف پژوهش، اطلاعات با روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شد و مقالات مرتبط با نقش زنان دانشگاهی در توسعه پایدار و همه‌جانبه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت، از میان ۳۱۷ پژوهش صورت گرفته در این حوزه، مقالات غیرمرتبط حذف گردید و سرانجام ۱۴ مقاله بر اساس موضوع و هدف دسته‌بندی گردید (جدول ۱). سپس با استفاده از روش کیفی، روایتی تحلیل شدند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

1. Morley
2. Kohlstedt
3. Shojaei, Samsu, & Asayeseh
4. SID
5. Irandoc
6. Magiran

جدول ۱. مقالات مرتبط با زنان، آموزش عالی و توسعه

عنوان	نویسندگان	نوع مطالعه	سال
تجارب زنان مدیر از رهبری در آموزش عالی؛ یک مطالعه کیفی	شاه طالبی، یارمحمدیان و عجمی	پدیدارشناسی	۱۳۸۸
بررسی نقش آموزش عالی و دانشگاه در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی زنان	حسن زاده	زمینه یابی	۱۳۸۵
بررسی تأثیر آموزش عالی زنان بر رشد اقتصادی ایران	آل عمران و آل عمران	توصیفی	۱۳۹۸
انگیزش های نویافته ی تحولات هویتی زنان در آموزش عالی	طیبی نیا و رحمانی	داده بنیاد	۱۳۹۵
زنان، اشتغال و تحصیلات آموزش عالی	براتعلی، یوسفی و میرشاه جعفری	توصیفی	۱۳۸۹
نامزونی های مشارک زنان در آموزش عالی	قانع ی راد و قدیمی	توصیفی	۱۳۸۷
تأثیر اعتبار و مشارکت سیاسی در گرایش زنان به آموزش عالی و نقش اشتغال، بر اساس نگرش دانشجویان دختر دانشگاه های اصفهان	لیاقت دار، یزدخواستی، نقوی و سمعی	علی-مقایسه ای	۱۳۸۶
پیامدهای نهادی توانمندسازی روان شناختی زنان در آموزش عالی	قلی پور، امیرخانی و آغاز	پیمایشی	۱۳۹۰
زنان، آموزش عالی و بازار کار	فراستخواه	کتابخانه ای	۱۳۸۳
بررسی مشارکت زنان در تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی در ایران	کارنامه حقیقی و اکبری	همبستگی	۱۳۸۴
اشتغال زنان فارغ التحصیل آموزش عالی و عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر آن	محمودیان و رشوند	همبستگی	۱۳۹۱
بررسی تطبیقی پنج برنامه ی توسعه ی کشور پیرامون دستیابی به عدالت جنسیتی با تأکید بر وضعیت آموزش عالی زنان در ایران و مقایسه ی آن با وضعیت جهانی	عباس زاده	توصیفی	۱۳۹۴
مطالعه زمینه های شکاف میان دسترسی زنان به آموزش عالی و حضور آنان در بازار کار.	کشاورز	توصیفی	۱۳۹۴
زنان، نظام آموزش عالی کشور و اشتغال	لشکری	توصیفی	۱۳۸۶

یافته ها

نقش زنان دانشگاهی در توسعه ی اقتصادی

چون نیروی کار یکی از مؤلفه های تولید هر کشور به شمار می آید، بنابراین افزایش این نیرو سبب افزایش فراوانی تولید و رشد اقتصادی می باشد. از طرف دیگر آموزش عالی و سیستم دانشگاهی باعث ارتقای دانش و مهارت تخصصی گرایی در زنان شده که پیامد این امر افزایش توانایی زنان در استفاده از فناوری های نوین و به کارگیری توانمندی های خود در امر تولید و به تبع رونق اقتصادی می باشد (اوزتونک، او و سرین، ۲۰۱۵). نقش زنان دانشگاهی در توسعه ی اقتصادی در دو سطح کلان و خرد

قابل بررسی است. در سطح کلان، تحصیلات جزء نیرومندترین مؤلفه‌های رشد اقتصادی به شمار می‌آید و در سطح خرد نیز آثار بین نسلی تولید سرمایه‌ی انسانی از پیامدهای نقش زنان دانشگاهی در توسعه‌ی اقتصادی محسوب می‌شوند (کارنامه حقیقی و اکبری، ۱۳۸۴). مطابق یافته‌ها، قسمت اعظم زنان دانشگاهی شاغل به صورت مزدبگیر در بخش عمومی و خصوصی مشغول به کار هستند و تنها بخش اندکی از آن‌ها صاحب پست‌های مدیریتی هستند (محمودیان و رشوند، ۱۳۹۱). با توجه به اهمیت نقش زنان در توسعه‌ی در توسعه‌ی اقتصادی، شایسته و ضروری است، مسئولان اقتصادی کشور نسبت به کارگیری نیروی دانشگاهی زن، هم‌چنین گسترش امکانات و تسهیلات جهت ارتقای کمی و کیفی آموزش عالی زنان و دختران در سطوح مختلف اهتمام ورزند.

نقش زنان دانشگاهی در توسعه‌ی اجتماعی

توسعه‌ی اجتماعی مفهومی فراگیر است که شامل ابعاد مختلفی می‌باشد. یکی از ابعاد توسعه‌ی اجتماعی، آموزش و پرورش است. دانشگاه و آموزش عالی در افزایش سطح دانش و آگاهی زنان نقش بسزایی دارد، تا جایی که عنوان می‌شود سرمایه‌گذاری در آموزش دختران و زنان یکی از سودآورترین سرمایه‌گذاری‌های امروزه در امر توسعه است. پژوهش‌های مختلف به این یافته رسیده‌اند که آموزش زنان می‌تواند در رشد فرهنگی و آموزشی آن‌ها که خود منجر به توسعه‌ی اجتماعی است، مؤثر باشد (بوردن، کریگ و ویلارول، ۲۰۰۴). داده‌های موجود بیان‌گر افزایش ورود دختران به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی است، برای توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار کشور ضروری است به این سرمایه‌ی انسانی توجه اساسی شود زیرا که علاوه بر این که سبب توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌شود، این توجه می‌تواند سبب کاهش کج‌روی‌های اجتماعی-فرهنگی نیز گردد. هم‌چنین آموزش عالی می‌تواند سبب افزایش انگیزه (هاومند و اسمیدینگ، ۲۰۰۶) و تحولات اجتماعی همچون برابری‌های جنسیتی، نژادی، زبانی و غیره گردد (برنان، ۲۰۰۸).

نقش زنان دانشگاهی در توسعه‌ی علمی

یکی از شاخص‌های توسعه، ظرفیت علمی هر کشور است. تولیدات علمی تنها به عنوان یک برون داد حاصل شده از یک پروژه‌ی تحقیقاتی تلقی نمی‌شود، بلکه به عنوان نماد یک فرایند تعریف شده و ساختار مدون علمی به شمار می‌آید. حضور مناسب و شایسته‌ی یک کشور در میان تولیدکنندگان علم و فناوری به معنای توجه جدی آن کشور به پژوهش و توسعه‌ی علمی می‌باشد. بر این اساس حضور مؤثر زنان دانشگاهی در حوزه‌ی تولید علم و فناوری تنها به معنای تلاش فردی آن‌ها نیست، بلکه به معنای توجه نظام آموزشی و پژوهشی کشور در ایجاد تعادل بین توانمندی‌های آن کشور از گروه‌های جنسیتی می‌باشد (اسفندیاری مقدم، حسن‌زاده و غیوری،

1. Borden, Craig & Villarruel
2. Haveman & Smeeding
3. Brennan

۱۳۹۰). سهم زنان دانشگاهی از جشنواره‌های علمی معتبر، انتخاب آن‌ها به عنوان پژوهشگران برتر، نقش آن‌ها در مدیریت مراکز آموزشی و پژوهشی، مشارکت آنان در مدیریت انجمن‌های علمی و مشارکت آنان در هیأت‌های تحریریه‌ی نشریات علمی - پژوهشی، مبنایی برای نقش زنان دانشگاهی در توسعه‌ی علمی به حساب می‌آید. مطابق یافته‌های قانع‌ی راد و قدیمی (۱۳۸۷) سهم دختران و زنان از حضور در جشنواره‌های معتبر علمی، هم چون جشنواره‌ی جوان خوارزمی ۲۹/۴ درصد، میزان دستیابی به جوایز معتبر علمی ۱۴/۲ درصد، انتخاب به عنوان معاونین دانشگاه حدود ۵ درصد، میزان مشارکت زنان در مدیریت انجمن‌های ملی بین ۲ تا ۱۷/۵ درصد، مشارکت زنان در هیأت‌های تحریریه‌ی نشریات علمی، پژوهشی بین ۳ تا ۶/۵ درصد گزارش شده است که این میزان، حکایت از نابرابری مشارکت زنان دانشگاهی در آموزش عالی است (قانع‌ی راد و قدیمی، ۱۳۸۷). پیشگاهی فرد و پولاب (۱۳۸۷). با بررسی وضعیت گذشته و حال زنان دانشگاهی در خاورمیانه، عنوان کرده‌اند که ایران در سال ۱۴۰۴ می‌تواند حداقل رتبه‌ی ۸ را بدست آورد. هر چند با توجه به پتانسیل‌های موجود در ایران، توانایی رسیدن به جایگاهی بهتر نیز دور از انتظار نیست. اگر چه زنان در حوزه‌ی آموزش عالی رغم طی مسیرهای علمی از نظر آمارهای کمی رشد چشمگیری داشته‌اند با این وجود در تأمین معیارهای مطلوب کیفی بازدهی مطلوبی نداشته و بنابراین اثربخشی برنامه‌های توسعه باید حرکت به سمت الگوهای کیفی آن را جبران کند (عباس‌زاده، ۱۳۹۴). هر کشوری برای رسیدن به توسعه‌ی همه‌جانبه نیازمند تدوین و اجرای برنامه‌های متناسب با رفع نیازهای خود است. اجرای چنین برنامه‌هایی مستلزم به کارگیری سرمایه‌های فکری و دانشی فارغ از جنسیت است (هدایی و نورمحمدی، ۱۳۹۳). مطابق یافته‌های پژوهشی زنان دانشگاهی تنها در ۲۰ درصد کل مقالات علمی سهم داشته‌اند، هر چند این نرخ روبه افزایش است (اسفندیاری مقدم، حسن‌زاده و غیوری، ۱۳۹۰). بیشترین مشارکت زنان دانشگاهی در توسعه‌ی علمی به ترتیب در قسمت فناوری زیستی و نانو، و کمترین مشارکت در حوزه‌ی فناوری نفت و گاز و هوا فضا بوده است (هدایی و نورمحمدی، ۱۳۹۳).

نقش زنان دانشگاهی در توسعه‌ی سیاسی

یکی از شاخص‌های توسعه‌ی سیاسی، میزان مشارکت سیاسی است. مشارکت سیاسی به معنای مشارکت در انتخابات در کلیه‌ی سطوح ملی و فراملی، فعالیت در احزاب سیاسی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان سیاسی است (جلالی و بنی‌نجاریان، ۱۳۸۵). اگر چه بیشتر پژوهش‌ها دلیل ورود دختران و زنان را به عرصه‌ی دانشگاه، اشتغال آن‌ها و بهبود وضع معیشتی می‌دانند اما برخی نیز بر مواردی هم چون رشد فکری، استقلال طلبی، اعتبارجویی و مسائل غیرمادی تأکید دارند (جانگ و مریام، ۲۰۰۴) و حتی برخی بر این باورند که انگیزه‌ی تحصیل دختران، نوعی واکنش و مقاومت در برابر جامعه‌ی مردسالار است. صاحب‌نظران رفع موانع مشارکت زنان در امر سیاست را تابع نوسازی فردی و نوسازی اجتماعی می‌دانند. هر چند متوسط مشارکت سیاسی در زنان دانشگاهی و غیر دانشگاهی پایین است، اما

این میزان در زنان دانشگاهی بالاتر است و آگاهی سیاسی در بین زنان دانشگاهی به صورت معناداری بیشتر از زنان غیردانشگاهی است (عظیمی‌هاشمی، قاضی طباطبایی، هاشمی و همکاران، ۱۳۹۴). مطابق یافته‌های پژوهشی زنان از نظر سیاست در معیارهایی هم چون اکتساب کرسی‌های مجالس، مشاغل سیاسی و میزان دسترسی به ساختار قدرت در سطح مطلوبی قرار ندارند (زارعی، ۱۳۹۶).

چالش‌های زنان دانشگاهی و توسعه

مرور پژوهش‌های صورت گرفته درباره نقش زنان در توسعه بیانگر وجود چالش‌هایی در این راستا است. مهم‌ترین چالش‌های به دست آمده عبارتند از:

- نابرابری سهم زنان از اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها به طوری که سهم ۱۹ درصدی سال پیروزی انقلاب، تا سال ۱۳۹۱ تنها ۳ درصد رشد داشته است، در حالی که نرخ افزایش تعداد دانشجویان دختر در همین بازه زمانی ۴۰ برابر (۴۰۰۰ درصد) رشد داشته است (مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، به نقل از زاکرسالحي ۱۳۹۷)، این نابرابری محصول ناهماهنگی سطوح مشارکتی است.
- نامطلوب بودن فراوانی رتبه‌های اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها به طوری که درصد بالایی از اعضای هیات علمی دارای رتبه‌های استادیاری هستند.

- وجود برخی محدودیت‌های فرهنگی و ساختاری موجب ناهمسانی جذب زنان دانشگاهی در بازار کار شده است (لدویث و منفدی، ۲۰۰۰). به طوری که به زنان دارای تحصیلات بالاتر، مشاغل پایینی تر از مردان همسطح خود از نظر تحصیلات واگذار می‌شود و این امر سبب سرخوردگی زنان و پایین آمدن رضایت شغلی آنان می‌شود. شاید بتوان دلایل این کار را در ساختار سنتی اقتصاد کشور جستجو کرد زیرا که، این ساختار سنتی چندان به دنبال جذب نیروی متخصص دانشگاهی به ویژه نیروی متخصص دانشگاهی نیست (براتعلی، یوسفی و میرشاه‌جعفری، ۱۳۸۹).

- عدم تناسب دانش‌آموختگی و اشتغال، با وجود رشد و پیشی گرفتن تعداد دانش‌آموختگان زن، هنوز تحول شگرفی در نظام اشتغال کشور روی نداده است به طوری که میانگین سهم زنان دانشگاهی از اشتغال حدود ۱۳ درصد است و درصد بسیار کمی از این مشارکت در سطوح کلان قانون گذاری و مدیریت است (مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، به نقل از زاکرسالحي ۱۳۹۷).

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه به عنوان مفهومی عام از مؤلفه‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که دارای ابعاد کمی و کیفی می‌باشد، تشکیل شده است. توسعه‌ی همه‌جانبه منوط به لحاظ کردن مؤلفه‌های مذکور به صورت همسان است. یافتن مسائل و مشکلات جامعه در گرو نیازسنجی دقیق توسط اساتید و پژوهشگران

آموزش عالی و به کارگیری راه‌حل‌های ارائه شده جهت توسعه‌ی روزافزون می‌باشد. در این راستا توجه به نقش زنان دانشگاهی در تولید دانش و پژوهش که به توسعه‌ی پایدار و نافذ می‌انجامد، حائز اهمیت است. یکی از نظریه‌هایی که برای ناموزونی نقش زنان دانشگاهی در توسعه می‌توان از آن بهره جست، نظریه‌ی سقف شیشه‌ای است. مطابق این نظریه، موانعی در راه پیشرفت افراد و ارتقای شغلی آن‌ها وجود دارد. این موانع شامل نگرش‌ها و باورهای منفی است که مانع مشارکت کمی و کیفی زنان در توسعه‌ی کشور به شمار می‌آید (موثر-هلم، ۲۰۰۶). اگرچه، در مقایسه با گذشته، زنان بیشتری در رشته‌های دانشگاهی مربوط به بهزیستی و بهداشت، علوم انسانی و علوم طبیعی گرایش دارند و حتی عدم تعادل جنسیتی به نفع زنان در سطح عالی به طور کلی وجود دارد، با این وجود کاهش قابل توجهی در تعداد محققان زن به کمتر از ۳۰ درصد در سطح جهان نشان می‌دهد که موانع جدی مانع مشارکت کامل زنان در رشته‌های علوم پایه و فنی، مهندسی وجود دارد. در طول دوره انتقال از کارشناسی ارشد به دکترا، تعداد زنان به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد (ماهورزاده، ۲۰۱۹). توکل، جوادی یگانه و ساداتی (۱۳۸۹) به این نتیجه دست یافتند که پذیرش تصورات قالبی جنسیتی موجود در جامعه تأثیری منفی در تمایل دختران، هم به ادامه تحصیلی در مقاطع بالاتر، هم به دستیابی به پست‌های ارشد مدیریتی در نظام آموزش پزشکی ایجاد می‌کند که نیاز به اصلاح دارد. بدون تردید در جهان معاصر، برتری علمی و فناوری جهت توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار امری حیاتی است که ضمن ایجاد امنیت و رفاه برای آن جامعه، توانایی رقابت با سایر کشورها را نیز افزایش می‌بخشد. از طرف دیگر وجود رقابتی قدرتمند اقتصادی، علمی در کشورهای پیشرفته، لزوم توجه جدی به کارگیری نیروی انسانی متخصص را روزافزون می‌کند. هدف کلان نظام علم و فناوری کشور بر اساس نقشه‌ی جامع علمی، دستیابی به جایگاه علم و فناوری در جهان اسلام و احراز جایگاه برجسته‌ی علمی و الهام‌بخشی در جهان و هم چنین استقرار جامعه‌ی دانش بنیان، عدالت محور برخوردار از انسان‌های شایسته، فرهیخته و نخبه برای احراز مرجعیت علمی در جهان تا سال ۱۴۰۴ تعریف شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹). رسیدن به چنین جایگاهی مشارکت علمی زنان را بیش از پیش الزام آور می‌سازد برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل متحد^۲ (۲۰۰۸)، هدف اصلی توسعه‌ی راه، توسعه‌ی فرصت‌های انسان‌ها می‌داند، فرصت‌هایی که نامتناهی بوده و در طول زمان می‌تواند دچار تغییر شوند. زنان نسبت به مردان سهم کمتری از سرمایه‌ی مادی و مالی کشور را در اختیار دارند، بنابراین استفاده از سرمایه‌ی فرهنگی یعنی تحصیلات و تخصص‌شان جزء راهبردهای اصلی ورود آن به فعالیت‌های اقتصادی به شمار می‌آید از جمله موانع بازار کار و اشتغال زنان، محدودیت و تنوع کم فرصت‌های شغلی برای زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی است. بسیاری از مشاغل موجود در سایر نقاط دنیا فارغ از جنسیت تلقی می‌شوند در حالی که همین مشاغل در ایران هنوز هم مردانه محسوب می‌شوند (لشکری، ۱۳۸۶). کشاورز (۱۳۹۴)، مهم‌ترین دلایل شکاف میان دسته‌ی زنان دانشگاهی و حضور آن‌ها در بازار کار را انتخاب رشته تحصیلی، عدم انتقال مهارت

1. Mathur-Helm

2. United Nations Development Programme (NNDP)

کافی برای ورود به بازار کار، ضعف هویت شغلی دختران، وجود تبعیضات ساختاری جامعه و قدرتمندی تقسیم کار مبتنی بر جنسیت را عنوان کرده است. بر اساس مدل‌های فرهنگی-ساختاری، ساختارها و سیستم‌های موجود اجتماع، تفاوت‌های جنسیتی را طوری تعریف می‌کنند تا اختلاف در موقعیت و قدرت به وجود آید و مطابق این اختلاف توزیع قدرت میان زنان و مردان شکل گرفت که در بیشتر مواقع به سود مردان بوده است (برودبریج و ویرا، ۲۰۰۷). مشارکت سیاسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین توسعه تلقی می‌شود که متضمن سهیم شدن اجتماعی فعال، غیرتوده‌ای، برابر و غیردستوری در تلاشی است منسجم به منظور هدایت سرنوشت و بهبود وضعیت زندگی از نظر دخالت در تصمیم‌گیری‌ها و افزایش کنترل بر نهادهای سیاسی تعریف شده است (پیشگاهی فرد و زهدی گهرپور، ۱۳۸۹). توسعه‌ی سیاسی می‌تواند منوط به ارتقای دانش سیاسی، بالا بردن توان تصمیم‌گیری سیاسی و سازماندهی سیاسی زنان باشد (عظیمی هاشمی، قضی طباطبائی و هدایتی، ۱۳۹۴). بنابراین افزایش سطح تحصیلات زنان می‌تواند در افزایش مشارکت و توسعه‌ی سیاسی تأثیر گذار باشد. مشارکت زنان دانشگاهی در عرصه‌ی سیاست منجر به توسعه‌ی سیاسی خواهد شد.

تعارض منافع: نویسندگان (نویسنده) تصریح می‌نمایند در این پژوهش تعارض منافع وجود ندارد. این پژوهش با هزینه محقق صورت گرفته است.

منابع

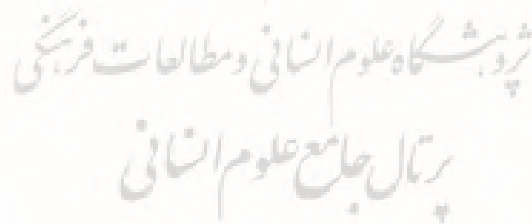
- آل عمران، روبا، آل عمران، سیدعلی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر آموزش عالی زنان بر رشد اقتصادی ایران. *زن و جامعه*، (۳) ۱۰، ۱۷-۳۰.
- اسفندیاری مقدم، علیرضا، حسن‌زاده، محمد، غیوری، زینب. (۱۳۹۰). تحلیل عام‌های اثرگذار بر تولیدات علمی زنان ایرانی در آی. اس. آی. *پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، (۱) ۱-۱۳۴-۱۰۹.
- براتعلی، مریم، یوسفی، علیرضا، میرشاه جعفری، سیدابراهیم. (۱۳۸۹). زنان، اشتغال و تحصیلات آموزش عالی. *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، (۲) ۳، ۱۰۱-۷۹.
- بیرو، هالن. (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه‌ی باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- پیشگاهی فرد، زهرا، پولاب، ام‌البنی. (۱۳۸۷). آینده پژوهی وضعیت آموزش عالی زنان در منطقه خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران. *پژوهش زنان*، (۶) ۳، ۳۷-۵.
- پیشگاهی فرد، زهرا، زهدی گهرپور، محمد. (۱۳۸۹). بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی. *زن و جامعه*، (۱) ۱، ۴۶-۲۵.
- تودارو، مایکل. (۲۰۰۳). *توسعه‌ی اقتصادی در جهان سوم*. ترجمه‌ی غلامعلی فرجادی، ۱۳۹۱. تهران:

کوهسار.

- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). مشارکت در شرایط جامعه‌ی آنومیک. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- توکل، محمد، جوادی یگانه، محمدرضا، ساداتی، سیدمحمدحسینی. (۱۳۸۹). مطالعه‌ی جامعه‌شناختی درباره‌ی جایگاه دختران در نظام آموزش پزشکی ایران. زن در توسعه و سیاست، ۸(۴)، ۵۰-۲۷.
- جاودانی، حمید. (۱۳۸۹). نقش دانشگاه در فرایند توسعه. نامه آموزش عالی، ۱۰، ۵۰-۳۵.
- جلالی، محمود، بنی نجاریان، صفورا. (۱۳۸۵). تحلیلی پیرامون مشارکت سیاسی زنان در نظام سیاسی حقوق ایران. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی نقش زنان در توسعه علوم، فرهنگ و تمدن اسلامی، جلد دوم. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- حسن‌زاده، رمضان. (۱۳۸۵). بررسی نقش آموزش عالی و دانشگاه در پیشرفت اجتماعی و اقتصادی زنان. دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ۱۲، ۸۶-۷۱.
- زارعی، غفار. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان (مطالعه موردی: معلمان شهرستان پارسیان). زن و جامعه، ۸(۳)، ۳۲-۱۹.
- زاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۹۷). مسائل آموزش عالی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سیدجوآدین، سیدرضا. (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی نیروی انسانی. تهران: انتشارات نگاه دانش.
- شاه‌طالبی، سمیه، یارمحمدیان، محمدحسین، عجمی، سیما. (۱۳۸۸). تجارب زنان مدیر از رهبری در آموزش عالی؛ یک مطالعه‌ی کیفی. دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه درسی، ۲۲، ۴۰-۲۱.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۹). نقشه‌ی جامع علمی کشور، ۱-۶۶.
- طیبی‌نیا، مه‌ری، رحمانی، جبار. (۱۳۹۵). انگیزش‌های نو یافته‌ی تحولات هویتی زنان در آموزش عالی. تحقیقات فرهنگی ایران، ۲(۹)، ۱۰۱-۱۲۹.
- عباس‌زاده، سعیده. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی پنج برنامه توسعه کشور پیرامون دستیابی به عدالت جنسیتی با تأکید بر وضعیت آموزش عالی زنان در ایران و مقایسه آن با وضعیت جهانی. پژوهش‌نامه زنان، ۱(۱)، ۹۷-۱۳۰.
- عزیززی، نعمت‌الله. (۱۳۹۶). ضرورت اصلاحات در آموزش عالی؛ تأملی بر مسائل و چالش‌های روز در نظام دانشگاهی کشور. تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عظیمی‌هاشمی، مژگان، قاضی طباطبائی، محمود، هدایتی، علی‌اصغر. (۱۳۹۴). مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل مؤثر بر آن. زن و جامعه، ۶(۴)، ۱۲۴-۱۰۵.
- عنبری، موسی. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: سمت.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۷). دانشگاه و آموزش عالی؛ منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی. تهران: نشر نی.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۳). زنان، آموزش عالی و بازار کار. پژوهش زنان، ۲(۱)، ۱۶۳-۱۴۷.

- قانع‌راد، محمدامین و قدیمی، اکرم. (۱۳۸۷). ناموزونی‌های مشارکت زنان در آموزش عالی. *تحقیقات زنان*، ۲(۳)، ۲۹-۴۹.
- قلی‌پور، آرین. (۱۳۹۶). *مدیریت منابع انسانی؛ مفاهیم، تئوری‌ها و کاربردها*. تهران: سمت.
- قلی‌پور، آرین، امیرخانی، طیبه، آغاز، عسل. (۱۳۹۰). پیامدهای نهادی توانمندسازی روان‌شناختی زنان در آموزش عالی. *زن، حقوق و توسعه*، ۵(۱)، ۵-۲۷.
- کارنامه حقیقی، حسن، اکبری، نعمت‌الله. (۱۳۸۴). بررسی مشارکت زنان در تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی در ایران. *پژوهش زنان*، ۳(۱)، ۶۹-۱۰۰.
- کشاورز، خدیجه. (۱۳۹۴). مطالعه زمینه‌های شکاف میان دسترسی زنان به آموزش عالی و حضور آنان در بازار کار. *مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، ۱(۴)، ۱۷۷-۲۰۲.
- لشکری، محمد. (۱۳۸۶). زنان، نظام آموزش عالی کشور و اشتغال. *پیک نور*، ۱(۱۷)، ۱۳۵-۱۲۴.
- لیاقتدار، محمدجواد، یزدخواستی، بهجت، نقوی، فتانه، سمیعی، فاطمه. (۱۳۸۶). تأثیر و نقش اشتغال، اعتبار و مشارکت سیاسی در گرایش زنان به آموزش عالی، بر اساس نگرش دانشجویان دختر دانشگاه‌های اصفهان. *مطالعات زنان*، ۳(۱)، ۱۷۹-۱۹۶.
- محمودیان، حسین، رشوند، مرجان. (۱۳۹۱). اشتغال زنان فارغ‌التحصیلی آموزش عالی و عوامل جمعیتی و جغرافیایی مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی شهر تهران. *زن در توسعه و سیاست*، ۱(۱)، ۱۰۴-۸۳.
- مکی آل‌آقا، بدیع‌الزمان. (۱۳۸۶). نقش دانشگاه در توسعه‌ی کارآفرینی. *اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، ۲(۴)، ۱۲۷-۱۱۵.
- هدایی، فاطمه، نورمحمدی، حمزه‌علی. (۱۳۹۳). سهم زنان ایران در تولید و استنادهای علمی در حوزه‌های اولویت‌دار علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات اجتماعی، روان‌شناختی زنان*، ۱(۱۲)، ۴۵-۶۶.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد. (۱۳۹۸). *برنامه ریزی توسعه‌ی آموزش عالی؛ رویکردی کاهنده، موقعیتی پیچیده*. تهران: سمت.
- Brennan, J. (2008). Higher education and social change. *Higher Education*, 56(3), 381-393.
- Bloom, D. E., & Canning, D. (2011). Demographics and development policy. *Development Outreach*, 13(1), 77-81.
- Borden, L. M., Craig, D. L., & Villarruel, F. A. (2004). Professionalizing youth development: The role of higher education. *New directions for youth development*, 2004(104), 75-85.
- Broadbridge, A., & Weyer, B. (2007). Twenty years later: explaining the persistence of the glass ceiling for women leaders. *Women in management Review*.
- Cloete, N., & Moja, T. (2005). Transformation tensions in higher education: Equity, efficiency, and development. *Social Research: An International Quarterly*, 72(3), 693-722.
- Cochrane, A., & Williams, R. (2010). The role of higher education in social and cultural transformation. *Higher education and society: a research report*, 20-26.

- Duflo, E. (2012). Women empowerment and economic development. *Journal of Economic literature*, 50(4), 1051-79.
- Haveman, R., & Smeeding, T. (2006). The role of higher education in social mobility. *The Future of children*, 125-150.
- Jang, S. Y., & Merriam, S. (2004). Korean culture and the reentry motivations of university-graduated women. *Adult Education Quarterly*, 54(4), 273-290.
- Kohlstedt, S. G. (2004). Sustaining gains: Reflections on women in science and technology in 20th-century United States. *NWSA Journal*, 1-26.
- Ledwith, S., & Manfredi, S. (2000). Balancing Gender in Higher Education: A Study of the Experience of Senior Women in a New 'UK University. *European journal of women's studies*, 7(1), 7-33.
- Luckenbill-Edds, L. (2002). The educational pipeline for women in biology: No longer leaking? *Bioscience*, 52(6), 513-521.
- Mahrouzadeh, T. (2019). Tertiary Education of Women in Islamic Countries (OIC) and the Status of Balanced Approach. *Iranian Journal of Comparative Education*, 2(1), 23-39.
- Mathur-Helm, B. (2006). Women and the glass ceiling in South African banks: an illusion or reality? *Women in Management Review*.
- Morley, L. (2005). Opportunity or exploitation? Women and quality assurance in higher education. *Gender and Education*, 17(4), 411-429.
- Oztunc, H., Oo, Z. C., & Serin, Z. V. (2015). Effects of female education on economic growth: A cross country empirical study. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 15(2), 349-357.
- Shojaei, S. N., Samsu, K. H. K., & Asayeseh, H. (2010). Women in politics: A case study of Iran. *J. Pol. & L.*, 3, 257.
- United Nations Development Programed. (2008). *Annual Report: Capacity Development: Empowering People and Institutions*. Retrieved from <https://www.un.org/ruleoflaw/blog/document>



The Role of University Graduated Women in Sustainable and Inclusive Development

S. Gheitasi*

N. Azizi**

Abstract

The purpose of this study was to investigate the role of university graduated women in sustainable and inclusive development. The research population was the published articles related to the role of university graduated women in development. The research sample was the articles indexed in internal databases in the period of 1991 to 2020, which studied the role of university graduated women in development. Citation and library methods were applied to collect data. Based on the collected data, the role of university graduated women in the sustainable and inclusive development of the country was studied and analyzed. The results of the study showed that university graduated women played an important role in the economic, social, cultural, scientific and political development of the country. The highest and lowest roles of academic women were mentioned in economic development and political development, respectively. The results of this research could be used in formulating future development plans of the country.

Keywords: university graduated women, sustainable development, inclusive.

* Ph. D. Student of Higher Education, Department of Education Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. (Corresponding author Email: sheida.gheitasi@gmail.com)

** Professor of Education Sciences, Department of Education Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. (Email: n.azizi@uok.ac.ir)